



تاثیر تحولات سیاسی بر رشد عقل‌گرایی در تفسیر قرآن

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: گرچه در دوره سیدجمال به بعد عقل‌گرایی در تفاسیر قرآن رشد یافت ولی بعد از انقلاب برخی مفسران تلاش کردند تا بین عقل و اخبار در مباحث تفسیری تعادل و توازن ایجاد کنند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: گرچه در دوره سیدجمال به بعد عقل‌گرایی در تفاسیر قرآن رشد یافت ولی بعد از انقلاب برخی مفسران تلاش کردند تا بین عقل و اخبار در مباحث تفسیری تعادل و توازن ایجاد کنند. فروغ پارساکتاب «تفسیر و مفسران در ایران» نوشته فروغ پارسا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ۳۸۱ صفحه منتشر شده و مؤلف به بررسی تفاسیر و مفسران ایرانی از انقلاب مشروطه تا ابتدای انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

خبرنگار ایکنّا به بهانه تالیف و انتشار این کتاب با نویسنده اثر گفت وگو کرده است که در ادامه می‌خوانیم؛

ایکنّا - در ابتدا مقداری در مورد این اثر و ویژگی‌های آن توضیح دهید؟

تفسیر و مفسران در ایران به تاریخ تفسیر در قرن چهاردهم پرداخته است؛ اینکه بنده گفتم تاریخ تفسیر یعنی ما به اسامی مفسران و تاریخ درگذشت آنان بسنده نکردیم بلکه تلاش کردیم تاثیر و تاثر تاریخ در تفسیر و مفسران را نشان دهیم. کتاب بنده دو ویژگی عمده دارد؛ اول اینکه تحولات سیاسی اجتماعی خاص سده چهاردهم در این کتاب تبیین شده است. در این بازه دو انقلاب یعنی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی مورد بحث قرار گرفته است و البته بنده وارد انقلاب اسلامی نشدم و صرفاً بازه قبل از آن را بحث کرده و نشان داده‌ام تحولات تاریخی و اجتماعی سیاسی چگونه بر فهم مفسران از آموزه‌های قرآنی اثر گذاشته است.

انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه دو حادثه مهم در تاریخ ایران هستند که به اعتقاد بنده علاوه بر دانشگاهیان و دانشجویان همه مردم باید نسبت به آن آگاهی داشته باشند و با تاریخ سرزمین ما آشنا شوند. بنده نشان داده‌ام که چگونه تحولات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بر تفسیر اثر گذاشته لذا در این کتاب سه مقطع مورد بحث قرار گرفته است؛ دوره مشروطه، پهلوی اول و پهلوی دوم که ویژگی‌های تاریخی این مقاطع و تاثیر آن بر نظرات مفسران را تبیین کرده‌ام. تاثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر تفسیر قرآن

ایکنّا - مهمترین تاثیر مشروطه بر تفسیر و مفسران چه بوده است؟

مهمترین اقدام در این دوره اصلاح و نوسازی اندیشه دینی بوده است که توسط سیدجمال الدین اسدآبادی و شاگردان او در کل جهان اسلام رخ داد و تمامی مسائل ۱۴ قرن اسلامی را مورد بازبینی قرار دادند و شعار بازگشت به قرآن کریم را سر دادند؛ شعار سیدجمال و شاگردانش این بود که بازگشت به قرآن کنید زیرا باید به دوره طلایی اسلام برگردیم که دوره عظمت و شکوه اسلامی بوده است.

سیدجمال و شاگردانش در سده بیستم شاهد تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در غرب بودند لذا برای آن این پرسش مطرح بود که چرا ما عقب افتاده هستیم و به این نتیجه رسیدند که تنها راه برای پیشرفت مسلمین و به دست آوردن اقتدار گذشته، بازگشت به قرآن کریم است. به همین دلیل می‌بینیم که چند مؤلفه در این دوره در دیدگاه‌های سیدجمال مطرح است؛ اول همین بازگشت به قرآن و دیگری استفاده از دانش‌های روز آن دوره برای تفسیر قرآن و عقل‌گرایی.

قبل از سده چهاردهم هجری قمری ما با این موضوع مواجه بودیم که ببینیم در روایات و اخبار در مورد قرآن چه گفته شده است ولی سیدجمال معتقد است باید ببینیم که قرآن چه سخن و مطلبی دارد زیرا رویکرد حدیثی اگر موفق بود باید موجب اقتدار مسلمین می‌شد. ایشان به همین دلیل بر استفاده از دانش‌های نوین تاکید دارد و می‌گوید وقتی عقل‌گرایی را رواج دهیم علم و دانش را هم رواج داده‌ایم. سیدجمال گفتمانی را در تفسیر پایه‌گذاری کرده که گفتمان تفسیر عصری است؛ او معتقد است که ما می‌توانیم همه مشکلات را به قرآن عرضه کرده و پاسخ آن را دریافت کنیم.

انقلاب‌هایی که در مصر، سوریه و تونس و حتی هند رخ داد مبتنی بر شعار بازگشت به قرآن بود و در ترکیه و ایران هم که ما با استبداد مواجه بودیم خاستگاه انقلاب‌ها، بازگشت به قرآن کریم بود و این گفتمان تفسیر عصری اجتماعی قرآن، تحول عمده‌ای در گفتمان و سنت تفسیری ایجاد کرد. بعد از سده چهاردهم همه مفسران تلاش کرده‌اند که به حوادث اجتماعی توجه داشته

باشند لذا مسئله کار و مالکیت و اقتصاد و زنان، حقوق شهروندی و ... در کتب و آثار تفسیری قبل نبوده است ولی بعد از گفتمان سیدجمال الدین شاهد این نوع مباحث در تفاسیر هستیم.

ایکنا - مهمترین نمونه های تفسیری این دوره چیست؟

سیدجمال خودش آثار تفسیری ندارد ولی ذیل مقالاتی که دارد تفاسیر مهمی از ایشان می بینیم؛ دوره انقلاب، ما یک آیه ای داشتیم که همیشه رهبران انقلاب آن را بازگو می کردند؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^۱، محتوای آیه این است که تا مردم قیام نکنند و نخواهند، سرنوشت آنان هم تغییر نخواهد کرد. این تفسیر از آیه هیچ گاه در چهارده سده قبل از سیدجمال صورت نگرفته بود؛ در همین دوره ما سیدهادی نجم آبادی را داریم که ایشان کتاب تحریرالعقلا را نوشته است که بنده به بررسی آن پرداخته ام.

در دوره پهلوی اول هم کتب مختلفی داریم؛ در دوره مشروطه علمایی چون میرزای نائینی را داریم که با توجه به گفتمان عصری اجتماعی سیدجمال قرآن را تفسیر می کردند. ما بحث پارلمان و شورا و ... را قبل از ایشان نداشتیم ولی در این دوره با این نوع تفسیر از قرآن مواجهیم.

ایکنا - در دوره پهلوی اول تاثیرگذاری بر تفاسیر چگونه بوده است؟

در این دوره ما کسانی چون شریعت سنگلجی و خرقانی و ... را داریم؛ در دوره پهلوی دوم و اواسط سده چهاردهم، تفاسیر ترتیبی کسانی چون علامه طباطبایی و آیت الله طالقانی و نوشته شد و در دوره پهلوی دوم اوج گفتمان این نوع تفسیر را شاهد هستیم و در این دوره تفاسیر یک جزء و گاهی موضوعی هم از سوی کسانی چون شهید مطهری شاهدیم که کارهای تفسیری ایشان هنوز هم مورد توجه است مثلاً بحث جامعه و تاریخ شهید مطهری یا بزرگانی چون شهید بهشتی و علامه جعفری در تفسیر موضوعی کار کرده اند.

ایکنا - به نظر می رسد از مشروطه روند بازگشت به قرآن و اصلاح و نوسازی اندیشه دینی شروع شده بود؟

بله انقلاب مشروطه این روند را آغاز کرد و شدت بخشید و این موضوع در نوشتن تفاسیر تاثیر گذاشت و این نشان می دهد تفسیر در هر دوره ای متاثر از حوادث آن دوره است.

ایکنا - نگاه بازگشت به قرآن در طول ۵۰ سال اخیر چگونه بوده است و آیا هنوز هم نقل و سنت غلبه دارد یا اینکه بیشتر قرآن و عقل گرایی حاکم شده است؟

بنده اثری به نام جریان ها و گفتمان های تفسیری در دوره معاصر نوشته ام که به بعد از انقلاب می پردازد؛ داستان بازگشت به قرآن امر مهمی است؛ ما در سنت های اسلامی از آغاز، قرآن را داشتیم و حدیث نداشتیم ولی به مرور اخبار متورم شده است و در قرن دوازدهم و سیزدهم اخباری گری رواج یافت و حرکت نوسازی دینی به دنبال این بود که اهمیت اخبار را کم کند لذا علامه طباطبایی در تفسیر المیزان از ابتدا تا آخر مباحث عقلی و اجتماعی مطرح می کند و وقتی روایات را هم می آورد همراه با تحلیل و نقادی است.

حتی در تفسیر سیدکاشانی و ... فقط حدیث مطرح است؛ بعد از انقلاب، برخی مفسران تلاش کردند تعادلی بین قرآن و حدیث ایجاد کنند لذا این که بگوییم ایده های سیدجمال و کسانی که اندیشه نو دینی داشتند رشد پیدا کرد اینطور نیست زیرا برخی تلاش کردند تا تعادل بین قرآن و حدیث ایجاد کنند؛ البته اخبار غلبه پیدا نکرد به همین دلیل علامه طباطبایی و مرحوم طالقانی و شهید مطهری و شهید بهشتی متاثر از دیدگاه سیدجمال به عقل گرایی در تفسیر بیشتر بها می دادند.